

بسمه تعالی

بحث علمی "مفاهیم اساسی اخلاق و رفتار حرفه‌ای"

توسط سرکار خانم دکتر ندا یآوری متخصص اخلاق پزشکی و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان (۱۴۰۱/۱/۲۴)

چند واژه متفاوت و قابل تفکیک در بحث اخلاق پزشکی:

Organizational Ethics (۱)

Professional Ethics (۲)

Individual Ethics (۳)

البته عناوین جزئی‌تری هم وجود دارند که بحث در رابطه با آن‌ها خارج از حوصله این جمع است. وقتی صحبت از اخلاق سازمانی است قاعداً منظور کل ساختاری است که از آن صحبت می‌کنیم از جمله اهداف، procedure، سیاست‌ها و ... مسلماً هر کدام از این‌ها اگر بر محوریت اخلاق نباشد، تلاش‌های ما برای اخلاقی کردن سازمان راه به جایی نمی‌برد. اهمیت نقش اساتید به عنوان role model و نیز ضرورت متخلق بودن مدیران به بایسته‌های اخلاقی که برخی اساتید بزرگوار به آن اشاره کردند و ... همه در چارچوب اخلاق سازمانی قابل بحث هستند. بنابراین اگر در یک محیط آموزش بالینی بد اخلاقی را از دانشجو می‌بینیم یعنی بسیاری از مسائل و معضلات اخلاقی دیگر در دانشکده (به عنوان یک سازمان کوچک) وجود داشته که دانشجو این رفتار غیرحرفه‌ای را از خود نشان می‌دهد. تلاش ما در اخلاق سازمانی value base کردن همه فعالیت‌هاست. ضرورت دارد فضای فرهنگی غالبی که در سازمان وجود دارد بر مدار و محور اخلاق حرفه‌ای باشد.

امروزه به سختی می‌توان اخلاق حرفه‌ای را از اخلاق سازمانی جدا کرد. در دنیای پیچیده‌ی امروزی اکثر حرفه‌مندان در قالب سازمان‌ها فعالیت می‌کنند. بنابراین وقتی از اخلاق حرفه‌ای (Professional Ethics) صحبت می‌کنیم منظورمان هر آنچه در Organizational Ethics مطرح هست نیز می‌باشد.

اخلاق فردی نیز برآیندی از فاکتورهای زیادی از زمان تولد، محیط تربیتی و ... تا محیط آموزشی است که مبنای پایداری حرفه‌مندان به اخلاق حرفه‌ای می‌باشد.

در دانشگاه‌های علوم پزشکی، دانشکده‌ها به آموزش حرفه‌ها (profession) و scienceهای مختلفی می‌پردازند. هر کدام از این رشته‌ها مسائل اخلاقی خاص خود را دارد. اجازه بدهید برای تبیین اهمیت مباحث اخلاق حرفه‌ای در رشته‌های مختلف علوم پزشکی گزارشی از یک جستجوی ساده در فضای PubMed خدمتتان عرض کنم. جستجوی اولیه‌ای که در PubMed انجام شد گویای این است که در طی سال‌های گذشته به مباحث اخلاقی علوم پزشکی با دقت بیشتری توجه شده است. به عنوان نمونه در جستجوی Nutrition & Professional Ethics، در چند سال گذشته ۳۱۹ مقاله چاپ شده که هر کدام به ابعادی از اخلاق حرفه‌ای در زمینه علم تغذیه پرداخته‌اند. این جستجو در محیط PubMed در رابطه با دندانپزشکی، داروسازی، فناوری‌های نوین، بهداشت عمومی، توانبخشی و ... نیز حرکتی جدی به سمت پرداختن به مسائل اخلاقی در این رشته‌ها

را نشان می‌دهد. متأسفانه بعضاً مشاهده می‌شود که برآیند فعالیت‌های دانشگاه در زمینه آموزش اخلاق حرفه‌ای در حد قابل انتظار نیست. البته در جاهایی نقاط مثبت وجود دارد ولی میانگین آن وضعیت مطلوبی را نشان نمی‌دهد. برای حل این مشکل مانند هر مسئله‌ای لازم است آن را به اجزای کوچکتری تقسیم کنیم. چنانچه در تعریف اخلاق حرفه‌ای گفته شد مشکل را می‌توان از ابعاد مختلفی مثل نقش الگویی اساتید و مدیران، فرهنگ غالب در محیط‌های آموزشی، سیاست‌ها و فرآیندها و برنامه‌های آموزش اخلاق حرفه‌ای جستجو کرد. در حال حاضر به نظر می‌رسد پرداختن به کیفیت و کمیت آموزش اخلاق حرفه‌ای در سطح دانشکده‌ها می‌تواند به عنوان قدم اول مناسب باشد.

بر اساس کتاب Medical Ethics Today دو تعریف از اخلاق حرفه‌ای از بُعد آموزشی قابل طرح است:

(۱) اخلاق حرفه‌ای در مفهوم سنتی: اخلاق حرفه‌ای در این نگاه بیشتر ناظر به تولید پاسخ‌های کلیشه‌ای برای موقعیت‌های مختلف است که در قالب گایدلاین‌ها ارائه می‌شود. در دهه‌های گذشته وقتی صحبت از اخلاق حرفه‌ای می‌شده به این نوع آموزش معطوف می‌شده‌اند که در آن یک سری هنجارها (norms) و استانداردهایی برای وظایف در نظر گرفته می‌شده است. کدهای رفتاری و آنچه که در تعهد پروفشنالیسم به آن توجه می‌شود همه دال بر تمرکز ویژه بر رفتار و تصحیح رفتار حرفه‌ای در موقعیت‌های ویژه است. البته ذکر این نکته ضروری است که هیچ‌وقت بی‌نیاز از گایدلاین‌ها و کدهای رفتاری نبوده و نیستیم.

(۲) اخلاق حرفه‌ای در مفهوم مدرن: نگاه جدید به اخلاق حرفه‌ای، تأکید بر تحلیل موقعیت به دنبال آشنایی با اصول اخلاق حرفه‌ای است. این تحلیل به بیانی یک نوع استنتاج منطقی برای پیدا کردن بهترین راهکار در مواجهه با دوراهی‌های اخلاقی با در نظر گرفتن کلیه فاکتورها و شرایطی است که پیرامون case خاصی وجود دارد. در واقع مبنای این رویکرد این است که به ندرت ممکن است دو case اخلاقی کاملاً در موقعیت مشابه و با شرایط پیرامونی مشابهی روی دهند. مثلاً وقتی من دانشجوی پزشکی وارد بخش می‌شوم اگر به محض ورود با یک دوراهی اخلاقی (ethics dilemma) مواجه شوم که تعارضی جدی بین ۲ اصل اخلاقی می‌بینم و باید تصمیم بگیرم که در این شرایط چگونه باید رفتار کنم، در این موقعیت گایدلاین‌های از پیش تنظیم شده نمی‌تواند به تنهایی به تصمیم‌گیری من در این موقعیت کمک کند. البته این دستورالعمل‌ها و راهنماهای اخلاقی مبنای تصمیم‌گیری من هستند ولی من دانشجو باید قدرت تحلیل ذهنی داشته باشم و با آن و به کمک اصول و مبانی اخلاق حرفه‌ای بتوانم موقعیت را بشناسم و با متدولوژی استاندارد منطقی از آن مسئله حرکت کنم و به نتیجه قابل قبول برسم. پس در رویکرد جدید صحبت از تحلیل ذهنی برای حل مسئله مطرح است و پرورش ذهن‌های تحلیل‌گر برای تصمیم‌گیری درست در موقعیت ضروری تلقی می‌شود و این چیزی است که ما را به professional identity information می‌رساند که مطلوب نهایی ما در اخلاق پزشکی و اخلاق حرفه‌ای است. آن چیزی که در professional identity مد نظر است این است که حرفه‌مندان ما (اساتید، دانشجویان و ...) هویت حرفه‌ای‌شان به گونه‌ای شکل بگیرد که مهارت حل مسئله و مهارت تصمیم‌گیری در مواجهه با چالش‌های اخلاقی را کسب کرده باشند. این حلقه مفقوده ما در آموزش اخلاق حرفه‌ای در دانشگاه است. در بعضی از موارد ما در آموزش اصول و مبانی اخلاق حرفه‌ای کوتاهی کرده‌ایم ولی در جاهایی هم که آموزش داده‌ایم، آموزش مان صرفاً نظری بوده و این فرصت را برای فراگیر فراهم نکرده‌ایم که متدولوژی استفاده از این ابزار را برای حل چالش‌های اخلاقی یاد بگیرد مثل نجاری که میخ و چکش و چوب دارد ولی چگونگی استفاده از این ابزار را نمی‌داند. دانشجوی ما ضرورت دارد یاد بگیرد در شرایط عادی و مهم‌تر از آن وقتی تعارضی بین اصول اخلاقی پیش آمد، چگونه باید مسئله را حل کند. متأسفانه در ایران در چنین

شرایطی برخوردارها برای حل مسئله به جای آن که نظرورزانه و مستدل و منطقی باشد، سلیقه‌ای و ذوق‌ورزانه است و فرد براساس آنچه که فکر می‌کند درست است عمل می‌کند و سعی می‌کند بالاخره برای هر مسئله‌ای راه‌حلی را داشته باشد. اخلاق حرفه‌ای یک علم است و برمبنای تئوری‌ها و فرضیه‌های مشخصی بنا می‌شود و متدولوژی و استانداردهای خودش را دارد که این‌ها به ما کمک می‌کند که در جهت صحیحی برای حل مسئله و یک چالش اخلاقی حرکت کنیم.

به طور خلاصه بر اساس آنچه بیان شد آن چیزی که ضرورت دارد در دانشکده‌ها در رابطه با اخلاق حرفه‌ای تدریس شود شامل مراحل زیر است:

(۱) آموزش اصول و مبانی اخلاق حرفه‌ای.

(۲) آموزش مهارت‌های حل مسئله و خروج از یک چالش اخلاقی.

(۳) تقویت و پرورش ذهن تحلیل‌گر در فراگیران.

البته مرحله سوم کار ساده و راحتی نیست چون ساختار ذهنی دانشجویان دانشگاه‌های علوم پزشکی برای دریافت و پردازش داده‌های ملموس و عینی تربیت شده است که به کمک آن، مسیری را طی می‌کنند و به اهدافی که از پیش تعیین شده می‌رسند. اما به دلیل مواجهه مکرر فراگیران با دوره‌های اخلاقی و ضرورت تصمیم‌گیری مناسب در این شرایط، تقویت و پرورش ذهن تحلیل‌گر در فراگیران یک ضرورت است که امروزه در دانشگاه‌های معتبر دنیا مورد توجه قرار می‌گیرد.

در رشته‌های مختلف دانشگاه علوم پزشکی چالش‌های اخلاقی زیاد و متنوعی وجود دارد که برای آماده‌تر شدن ذهن مثال‌هایی از رشته‌های مختلف ذکر می‌کنیم:

در حیطه تغذیه: یک شرکت داروسازی محصولی را برای بهبود زخم‌های بعد از عمل جراحی تولید کرده که در حین تحقیقات به این نتیجه رسیده است که احتمالاً این محصول می‌تواند در تقویت عضلات بیماران سرطانی هم مؤثر باشد. لذا از یک متخصص تغذیه که در یک مرکز طبی فعالیت می‌کند درخواست می‌کند که در یک کار تبلیغاتی به نمایندگی از طرف بیمارستان این محصول را به عنوان تقویت‌کننده سیستم عضلانی بیماران سرطانی تبلیغ کند. این یک case اخلاقی است و ابعاد مختلفی در آن مطرح است که بی‌توجهی به آن‌ها می‌تواند نتیجه‌اش افتادن در دام یک بداخلاقی حرفه‌ای باشد. مطمئناً در این جا باید تعهدات و مسئولیت‌های حرفه‌مند نسبت به جامعه مورد توجه قرار بگیرد و متخصص تغذیه حق ندارد درگیر فرآیند تبلیغ برای محصولی با ارائه مبلغ یک سری اطلاعات غیر علمی و تأیید نشده شود. با توجه به این که استفاده ثانویه از این محصول مورد تأیید مراجع علمی قرار نگرفته بنابراین می‌تواند مشکل‌آفرین باشد.

در حیطه داروسازی: مادری در وسایل شخصی دخترش که مدتی است دستیار یک داروساز است قرص کنتراستپتو پیدا می‌کند. با توجه به اینکه قرص دو هفته پیش توسط دکتر داروساز برای دخترش تجویز شده مادر با نگرانی با آقای دکتر تماس گرفته و از او می‌پرسد که این دارو چیست و به چه دلیل تجویز شده است؟ داروساز در این شرایط چگونه باید تصمیم بگیرد و چه پاسخی بدهد؟

در حیطه بهداشت محیط: نتیجه تحقیقات محققى در زمینه بهداشت محیط در زمینه آلودگی هوا نشان‌دهنده پرخطر بودن شرایط موجود برای سلامت ذهنی کودکان است. وقتی نتایج را می‌خواهد منتشر کند با مخالفت مراجع بالادستی مواجه می‌شود، با این توجیه که انتشار این خبر می‌تواند نگرانی بیهوده‌ای را در خانواده‌های کودکان ایجاد کند. آیا محقق در جهت انتشار نتایج پژوهش و آگاه‌سازی خانواده‌ها وظیفه‌ای اخلاقی دارد؟ سخن پایانی اینکه حرکت ما در آموزش اخلاق حرفه‌ای باید به سمتی باشد که اساتید و دانشجویان به یک انگاره درستی از اخلاق حرفه‌ای دست پیدا کنند. جناب فارابی در این زمینه تعبیر زیبایی دارد و آن طب‌انگاری اخلاق است (منبع: کتاب اخلاق سازمانی آقای دکتر قراملکی استاد فلسفه دانشگاه تهران).

برای اخلاق انگاره‌های متفاوتی وجود دارد:

- (۱) وعظ انگاری اخلاق: فکر می‌کنیم وقتی می‌توانیم جامعه را اخلاقی کنیم که مرتب نصیحت اخلاقی کنیم و بایدها و نبایدها را گوشزد کنیم.
- (۲) زیورانگاری اخلاق: وقتی جامعه (دانشکده، بیمارستان، ...) را اخلاقی می‌دانیم که بیلوردهای زیبایی نصب کنیم، منشور حقوق بیمار را به نمایش بگذاریم و ...
- (۳) ترمزانگاری اخلاق: اخلاق یک مانعی برای انجام کارها است. در آموزش، پژوهش و درمان هر وقت کاری می‌خواهیم انجام دهیم با سدّی به نام اخلاق مواجهیم.
- (۴) طب‌انگاری اخلاق: همان‌طوری که در پزشکی به نوعی تلاش می‌کنیم با دقت در شرایط و بررسی شرح حال و با کمک استدلال بالینی، معضلات جسمی بیمار را شناسایی و درمان کنیم و از عود آن پیشگیری کنیم، در اخلاق نیز باید تلاش کنیم که با شناخت اصول و مفاهیم اخلاقی و تحلیل صحیح موقعیت (ethical reasoning) معضلات اخلاقی را شناسایی، رفع و از بروز مجدد آن پیشگیری کنیم. تنها با چنین انگاره‌ای است که می‌توان به رسالت اصلی اخلاق حرفه‌ای در بهینه‌سازی و مطلوب کردن سازمانی مثل دانشکده، درمانگاه، بیمارستان و ... برسیم.

بنابراین طب‌انگاری اخلاق عبارتست از:

- (۱) حساسیت اخلاقی برای شناسایی موقعیت‌های اخلاقی.
- (۲) استدلال اخلاقی برای تحلیل موقعیت.
- (۳) قضاوت اخلاقی برای دستیابی به تصمیم یا راهکار مناسب برای برون‌رفت از دوراهی.
- (۴) تعهد اخلاقی برای التزام عملی به چیزی که درست می‌دانیم.